



نکاتی درباره رساله‌ای کهن در باب اعجاز قرآن از عالمی زیدی

محمد کاظم رحمتی

اشاره

عبدالمجید شرفی در ۱۳۹۶/۱۹۷۶ کتابی به نام الرسالة العسجدیة فی المعانی المؤیدة تألیف عباس بن علی بن عمرو صنعانی (قرن ششم ق) به چاپ رسانده است. شرفی در مقدمه کوتاه خود بر این اثر - بدون آن که بتواند گره‌ای از مشکل هویت مؤلف یا عنوان کتاب بگشاید - به اهمیت این رساله در مباحث اعجاز قرآن اشاره کرده است. شرفی درباره مذهب مؤلف کتاب به دلیل نبود مدرک و سندی اظهار نظر نکرده است، تنها به دلیل برخی نقل قول‌های مؤلف از عالمی زیدی که شرفی آن را یکی از مشایخ مؤلف دانسته و دیگر یمنی بودن مؤلف، بتوان صنعانی را عالمی زیدی دانست. نوشتار حاضر بررسی این کتاب و ارتباط آن با اثر کمتر مورد توجه کهن زیدی در باب اعجاز قرآن به نام اثبات نبوة النبی از عالم نامور زیدی ایرانی ابوالحسن احمد بن حسین بن هارون بطاحنی (متوفی ۴۲۱ ق) است.

نکته مد توجه محققان در حوزه تمدن اسلامی، اهمیت

پذیرش زبان عربی به عنوان زبان نگارش آثار علمی در قرون میانه است. این مطلب باعث ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف جهان اسلام بوده است. این ویژگی اهمیت دیگری نیز داشته و آن امکان تبادل فرهنگی و بهره‌گیری از متون علمی تألیف شده در هر نقطه از جهان اسلام از سوی عالمان دیگر مناطق بوده است، از این رو همان گونه که محققان نیز اشاره کرده‌اند گاهی برای یافتن نسخه‌ای مدون در شرق جهان اسلام باید به سراغ کتابخانه‌های غرب جهان اسلام رفت و بالعکس. از این گونه آثار، رسالة الرسالة العسجدیة فی المعانی المؤیدة است که در ضمن مجموعه ۴۳۷۲ آثار ادبی معرفی شده در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامعه التونسیه است که اینک در کتابخانه ملی تونس نگهداری می‌شود. این رساله که در ۸۹ برگ است از صفحه ۱۲۱ نسخه آغاز می‌شود و در صفحه ۲۰۹ پایان یافته است. در صفحه عنوان رساله که دست خط‌های مختلفی در بر دارد نام رساله و مؤلف چنین یاد شده است: «الرسالة العسجدیة فی المعانی المؤیدة، تألیف الشیخ الأجل الأوحد الأفضّل لسان العرب و ترجمان الأدب عباس بن علی بن ابی عمرو الصنعانی رحمة الله تعالی رحمة واسعة بمنه و کرمه آمین». نام کاتب نسخه یا این که وی این متن را در کجا کتابت کرده نیامده، اما متن رساله به خط نسخ و متفاوت از خط کتابت شده در شمال آفریقا است و نشانگر آن است که نسخه در یمن کتابت شده است. در صفحه آخر نسخه (۲۰۹) تاریخ فراغت از کتابت (صبح دوم ذی الحجة سال ۹۹۱) یاد شده است. نبود هیچ اطلاعی درباره این کتاب و مؤلف آن، شرفی را برای یافتن هویت مؤلف و علت نام گذاری کتاب به رجوع به متن کتاب واداشته است. شرفی در بحث از تحلیل محتوای رساله، لقب المؤید یا المؤید را که در عنوان رساله ذکر شده، لقب فردی

است که صنعانی در چندین مورد از او با عنوان لبعض الائمة عليهم السلام یاد کرده است. اما آیا این عبارت ها از منبعی شفاهی نقل شده یا اثری مکتوب از عالمی زیدی مذهب - که صنعانی وقتی کتاب را به امیر صلیحی تقدیم کرده، از آوردن نام آن اجتناب کرده است - احتمالی است که شرفی به آن توجه نکرده است. به این پرسش در ادامه مقاله پاسخ داده خواهد شد. نکته جالبی که صنعانی در بخش معارضه با قرآن نقل کرده، عبارت هایی از ابن مقفع در معارضة القرآن است؛ همان گونه که در ادامه خواهیم گفت، این عبارت ها و نقل قول های نقل شده از یکی از ائمه - که درود خدا بر آنان باد - می تواند ما را به شناخت یکی از منابع مهم کتاب و این که اساساً این رساله شرحی بر آن کتاب است رهنمون شود.

مجموعه نسخه های خطی اهدایی مرحوم سید مشکوة به دانشگاه تهران بی هیچ تردیدی یکی از ارزنده ترین مجموعه های خطی این کتابخانه است. دلیل آن نیز وجود نسخه های گاه منحصر به فرد در این مجموعه است که از آن تاریخ تاکنون، برخی از این آثار منتشر نیز شده اند. یکی از این نسخه ها اثری در اعجاز قرآن است که به دلیل افتادگی برگ نخست آن که نام کتاب و مؤلف در آن ذکر شده، عنوان نسخه و مؤلف آن مجهول مانده است. از این نسخه که اصل آن به شماره ۹۳۷ مجموعه مشکاة در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود، تصویری در معهد المخطوطات العربية قاهره به شماره ۳۱ نسخه های تهیه شده از ایران در ۱۰۴ برگ موجود است. زکریا سعید علی، استاد بلاغت و نقد ادبی در دانشکده دارالعلوم قاهره در راستای پژوهش های خود و تلاش برای یافتن نسخه های خطی در باب اعجاز قرآن به این نسخه برخورد و گزارشی از آن با عنوان مخطوط فرید فی اعجاز القرآن در مجله معهد المخطوطات العربية، مجلد ۴۱ (شماره اول محرم ۱۴۱۸ / مایو ۱۹۹۷) منتشر کرده است. همان گونه که گفته شد به دلیل افتادگی برگي از این نسخه، هویت مؤلف و عنوان آن مجهول است، از این رو زکریا سعید علی تلاش کرده تا با بررسی محتوای نسخه بتواند حدود زمان تألیف یا مؤلف احتمالی آن را بیابد. آنچه از نسخه می توان دریافت چنین است:

۱. زمان تألیف این رساله قرن چهارم است، چرا که مؤلف آن در جایی از کتاب اشاره کرده، اکنون که مشغول تألیف کتاب است حدود چهار صد سال از بعثت پیامبر می گذرد (ثم ابتعث الله النبي محمداً صلى الله عليه وآله و ختم به الرسالة و نحن من

دانسته کتاب به او تقدیم شده است. اما این پرسش را که چرا مؤلف در عنوان، لفظ المعانی را قبل از المؤید آورده که به گمان شرفی لقب شخصی است که کتاب به او اهدا شده، پرسشی در پرده ابهام یاد کرده است (ص ۸).

صنعانی در آغاز کتاب علت تألیف اثرش را چنین یاد کرده است: «إيراد لمع مما ذكره أهل العلم والأدب من الفرق بين السرقات والمارضات والتبديلات والاحتذاءات والاستشهاد على ذلك بملح من أشعار القدماء والمحدثين مع إيراد ما يوهم انه معارضة العلماء و اتباع ذلك بإيراد فصوص من أمثلة أنواع البديع من القرآن الكريم والشعر الفصيح ليكون ذلك قدوة للمستقري و اماماً للقاري». آنچه صنعانی را به تألیف چنین کتابی با چنین موضوعی واداشته بحثی در این خصوص در مجلس علی بن حاتم یامی، امیر صلیحی بوده که در حضور او سخن از فنون بلاغت رفته بود و در اثنای بحث اشاره ای نیز به عبارت هایی شده بود که عده ای با بهره گیری از آیات قرآن برای معارضه با قرآن بیان کرده اند. صنعانی بعد از این مطلب، عبارت هایی به شعر و نشر در مدح علی بن حاتم یامی (ص ۲۴-۲۳) نقل کرده است. اشاره صنعانی به علی بن حاتم یامی تنها اشاره ای است که می تواند به صراحت ما را در تعیین حدود زمانی حیات صنعانی کمک کند. علی بن حاتم یامی، امیر صلیحی حاکم بر صنعاء از ۵۵۶/۱۱۶۰ تا ۵۶۹/۱۱۷۴ بوده، اما منابعی که شرح حال او را آورده اند جملگی اشاره کرده اند که لقب او التوحید بوده و از المؤید به عنوان لقب او سخنی نگفته اند.

بحث دیگری که شرفی از طریق آن سعی کرده تا اطلاعاتی درباره هویت مؤلف کتاب بیابد منابع صنعانی در تألیف اثرش است. شرفی (ص ۱۳۱) این منابع را چنین یاد کرده است:

۱. الوحید (بند ۱۹) که احتمالاً شرحی از صنعانی بر دیوان متنبی بوده است؛ ۲. اثری از جاحظ که عنوان آن ذکر نشده و در آثار موجود و منتشر شده او نیز این عبارت یافت نشده است (بند ۸۸)؛ ۳. الوساطة بین المتنبی و خصومه از جر جانی (ص ۱۲۵)؛ ۴. النکت فی اعجاز القرآن از زمانی که صنعانی از این اثر به کرات و گاهی بدون اشاره به نام او نقل قول کرده است. همچنین منابعی که صنعانی در تألیف اثرش از آنها بهره برده، اما به نام آنها اشاره ای نکرده و این منابع عبارتند از: العمدة ابن رشيق، العقد الفرید ابن عبدربه و تأویل مشکل القرآن ابن قتیبة. سوای این منابع مکتوب شرفی به یک منبع شفاهی نیز اشاره کرده و آن اقوالی از یکی از امامان زیدی مذهب

مبعثه علی نحو من أربعمائة عام). اشاره ای دیگر به همین حدود تألیف در جایی دیگر از نسخه نیز آمده است.

۲. مؤلف در آغاز کتاب خود سخن از اسماعیلیه به میان آورده و از حمایت باطنیان از کسانی که طعن در اسلام می‌زنند سخن گفته و چنین نوشته است: «فكيف نظن ان معارضة القرآن لو كانت كان يخفى نقلها لاسيما في زماننا هذا، والباطنية قد اتسعت أحوالهم وكثر بذلهم الأموال على الاستدعاء الى ما هم عليه من الجحد للتوحيد والنبوات فلو وجدوا سبيلاً الى ذلك لحصوا بما لهم من طريق وتليد...» (برگ ۳۰). همچنین مؤلف این رساله علت تألیف رساله خود را طعن باطنیان در نبوت پیامبر ذکر کرده است و همان اتهامات رایج در قرون میانه به اسماعیلیه را تکرار کرده و از نخواندن نماز و نپرداختن زکات و حلال نمودن محرّمات در نزد اسماعیلیه سخن گفته و عقیده آنها در باب نبوت پیامبر را چنین ذکر کرده است: «ان محمد - صلی الله علیه و آله - انما كان له التأييد دون ما سواه من الوحى والارسال و نزول جبرائيل ويشيرون بالتأييد الى المزية التي تحصل الكلام من تقدم في صناعة وبرع فيها من شاعراً وطبيب او فقيه او متكلم او منجم ويسمون الشرايع نواميس ويتوصلون الى جحدها أو ابطالها بادعاء أن لكل شيء منها باطناً اذا عرف سقط وجوب العمل به وينكرون البعث والنشور ويقولون معنى القيامة هو قيام محمد بن اسماعيل بن جعفر» (برگ ۲). این عبارت مؤیدی است بر گفته مادلونگ که گروهی از اسماعیلیه ایران، خاصه بخش اعظمی از پیروان نسفی به همان سنت اولیه اسماعیلیه اعتقاد به بازگشت محمد بن اسماعیل و فادار بوده‌اند و این گفته‌ها مؤیدی دیگر بر این ادعاست. در ادامه سخن از اسماعیلیه، مؤلف رساله به آثاری اشاره می‌کند که علما در رد اسماعیلیه نوشته‌اند و او خواننده را برای اطلاع بیشتر به این آثار ارجاع می‌دهد. مؤلف این رساله در اشاره به این آثار می‌نویسد: «ولولا أنه ليس غرضنا في كتابنا هذا نقل أحوالهم ونشر فضائحهم وبسط مقابحهم لبيننا من فساد عقائدهم ومساوى دفتائهم وما بينه شيوخنا رحمهم الله من الاشراف و سائر العلماء في كتبهم المصنفة من هتك اسرارهم واذاعة اسرارهم، نحو ابی زید محمد بن عیسی بن محمد العلوی الحسینی^۱ و ابی جعفر بن قبة و ابی عبدالله بن رزام الکوفی و ابی محمد بن عبدک الجرجانی و غیرهم رحمهم الله ثم ذكرت ما فی رسالتهم الموسومة بالبلاغ السائغ وربما سموها بالبلاغ الاکبر و التاموس الاعظم. لکنی احیل من اراد الوقوف علی باطنهم و اسرارهم الى هذه الكتب فانها مشهورة معروفة لمن ارادها».

با وجود این اشارات و شواهد، امکان شناخت هویت مؤلف یا نام رساله وجود ندارد و تنها نتیجه ای که زکریا سعید علی گفته آن است که مؤلف این رساله یکی از عالمان زیدی قرن چهارم است. زکریا سعید علی فهرست تفصیلی محتویات نسخه را آورده اما متوجه اهمیت برخی از مطالب کتاب که می‌تواند موجب شناسایی مؤلف کتاب گردد نشده است و آنان نقل قول‌هایی از ابن مقفع و ادعای وی در معارضه با قرآن است.^۲

بی شک پژوهش سترگ اسلام شناس نامدار ویلفرد مادلونگ درباره زیدیه به نام امام قاسم بن ابراهیم و معتقدات زیدیه (برلین ۱۹۶۵) هنوز کامل ترین و جامع ترین اثری است که در باب زیدیه منتشر شده و نه در حوزه خاورشناسی و نه تحقیقات مسلمانان هنوز اثری که قابل برابری با این کتاب باشد، تألیف نشده است.^۳ مادلونگ در همان پیش گفته در بحث از رساله

۱. نام درست این عالم زیدی ابوزید عیسی بن محمد علوی حسینی است، همان گونه که در متن چاپ شده اثبات النبوة النبی نیز آمده است. ابونصر بحاری در سرسلسلة العلوية (نجف، ۱۳۸۱/۱۹۶۲)، ص ۶۳ نسب کامل این عالم بنام زیدی را چنین نوشته است: «ابوزید عیسی بن محمد بن احمد بن عیسی بن یحیی بن الحسن بن زید، عالم کبیر من علماء الزیدية، فقیه، متکلم بالری (مات) سنة ۳۲۶، لاعتقب له». همچنین بنگرید به المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۷۸. عمده شهرت ابوزید علوی به سبب نگارش کتاب الاشهاد است. از این کتاب وی نقل قول‌هایی در کتاب نقض کتاب الاشهاد نوشته ابن قبه در ضمن کتاب کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) باقی مانده است. برای تفصیل مطلب بنگرید به سید حسین مدرسی طباطبائی، مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه (نیوجرسی ۱۳۷۴)، ص ۲۰۳، پاورقی ۱؛ معارف، دوره هفدهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۷۹، ص ۱۲۵-۱۲۹ (حسین انصاری قمی، ابوزید علوی و کتاب او در رد امامیه).

۲. مجلة معهد المخطوطات العربية، المجلد ۴۱ الجزء الاول، محرم ۱۴۱۸/ مایو ۱۹۹۷، ص ۱۳۰-۱۳۴ (زکریا سعید علی، مخطوط فرید فی اعجاز القرآن).

3. Wilferd Madelung, Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen, Berlin, 1965.

پس از مادلونگ، آثار بنیامین آبراهام اف، تازه ترین مقالات در تحقیق و بررسی عقاید قاسم بن ابراهیم رسی است. هر چند همان گونه که مادلونگ در نقد آثار آبراهام اف اشاره کرده، وی در فهم مطالب متعددی از کتاب مادلونگ ناموفق بوده و عملاً چیزی بر ادبیات این حوزه نیفزوده است. آثاری که آبراهام اف در باب زیدیه به چاپ رسانده، چنین است: Binyamin Abrahamor, Anthropomorphism & Interpretation of the Qur'an in the Theology of al-Qasim ibn Ibrahim Kitab al-Mustarshid. Leiden: E. J. Brill,

در یادنامه مرحوم احسان عباس منتشر کرده، متذکر شده که این منبع که صنعانی دائماً مطالبی از او نقل می کند، منبعی شفاهی نبوده و اثری مکتوب و در حقیقت همان کتاب اثبات نبوة النبی ابوالحسنین هارونی است. در ادامه فان اس، موارد تشابه کتاب الرسالة العسجدیه را که باید آن را شرحی بر کتاب اثبات نبوة النبی المؤید بالله دانست، آورده است.^۶



> 1996. xvii+152pp; idem, *The Theological Epistles of al-Kasim ibn Ibrahim* (in Hebrew); idem, *Al-Kasim B. Ibrahimon The Proof of God's Existence* (Kitab al-Dili al-Kabir), Leiden: E. J. Brill, 1990, xiii+201pp, idem, "The Tabaristanis' question: edition and annotated translation of one of al-Kasim ibn Ibrahim's epistles", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 11, 1988, pp. 16-54; idem, "Al-Kasim Ibn Ibrahim's theory of the Imamate", *Arabica*, 34, 1987, pp.80-105; idem, "Al-Kasim Ibn Ibrahim's argument from design", *Oriens*, 29-30, 1986, pp.259-284.

اثر ارزشمند ایمن فؤاد سید، *تاریخ المذاهب الدینیة فی بلاد الیمین حتی نہایة القرن السادس الهجری* (الدار المصرية اللبنانیة، قاهره، ۱۴۰۸/۱۹۸۸) با وجود اهمیتی که دارد نسبت به کار مادلونگ، اثری متوسط محسوب می گردد.

4. Der Imam al-Qasim, p.90, no.27.
5. G. Levi Della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici della Biblioteca Vaticana* (citta del Vaticano, 1935), p.118, no.1019, 2; W. Ahlwardt, *Verzeichnis der arabischen Handschriften*, IX, p.589f, no.10280, 3; GAS, I, 570.
6. J. van Ess, "Some fragments of the Mu'aradat al-Qur'an attributed to Ibn al-Muqaffa", Wadad al-Qazi, ed., *Studia Arabica et Islamica, Festschrift for Ihsan 'Abbas on his sixtieth birthday*, Beirut: American University of Beirut, 1981, pp.151-164.

برای شرح حال هارونی بنگرید به یحیی بن الحسین الشجرى، *سيرة الامام المؤید بالله احمد بن الحسین الهارونی*، تحقیق صالح عبدالله احمد قربان (صنعا، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)؛ الحاکم الجشمی، *شرح عیون المسائل*، ص ۲۷۶ چاپ شده در فؤاد سید، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة*، تونس، ۱۹۷۴)؛ حمید بن احمد المحلی، *الحدائق الوردیة*، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۶۴؛ عبدالاسلام عباس الوجیه، *اعلام المؤلفین الزیدیة*، ص ۱۰۰-۱۰۳؛ حسین بن عبدالله العمری، *مصادر التراث الیمینی فی المتحف البریطانی*، ص ۱۴۲-۱۴۴ (دمشق، ۱۴۰۰/۱۹۸۰)؛ ابن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۱؛ معارف، دوره هفدهم، شماره ۲، مرداد-آبان ۱۳۷۹، ص ۱۴۱-۱۴۲ (حسن انصاری قمی: وصیت جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاست المریدین).

الرد علی الزندیق اللعین ابن مقفع تألیف قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶ق) به رساله ای از عالم زیدی المؤید بالله احمد بن حسین بن هارون بطاحنی (متوفی ۴۱۱ق) اشاره کرده که در آن نیز از رد ابن مقفع سخن رفته است.^۴ این رساله هارونی که در آن هنگام مادلونگ از نسخه خطی آن استفاده کرده، اثبات نبوة النبی نام دارد و حداقل سه نسخه از آن موجود است. کهن ترین نسخه در قاهره، دارالکتب کلام ۱۵۶۷ که در ۱۱۵۶/۵۵۱ کتابت شده و دو نسخه دیگر یکی در واتیکان، نسخه های عربی، مجموعه ۱۰۱۹، برگ های ۱۶۹-۷۲، کتابت شده در ۱۲۹۲/۶۹۱ و برلین، لندبرگ ۴۳۷، برگ های ۳۲-۲.^۵ این کتاب براساس همان نسخه کهن قاهره به کوشش خلیل احمد ابراهیم الحاج در قاهره و از سوی دارالتراث العربی ۱۳۹۹/۱۹۷۹ و بار دیگر در مکه بدون تاریخ به چاپ رسیده است. چاپ اخیر این کتاب به اهتمام عبدالکریم احمد جذبان (صعدة: مكتبة التراث الاسلامی، ۱۴۲۳/۲۰۰۳)، همان چاپ خلیل احمد با برخی تصحیحات و تعلیقات از سوی جذبان است و در این چاپ از نسخه ای دیگر استفاده نشده است. کتاب هارونی گرچه اثبات نبوة النبی نام دارد باید آن را اثری در اعجاز قرآن نیز دانست که به گونه ای کلامی به تبیین اعجاز قرآن و جنبه های مورد بحث آن پرداخته است. آنچه توجه مرا به هنگام مطالعه مقاله زکریا سعید علی به خود جلب کرد، یکی بودن عبارات نقل شده از نسخه مجهول المؤلف و عنوان مجموعه مشکاة با مطالب کتاب اثبات نبوة النبی هارونی بود. مقایسه این عبارات و تصویر چند برگ از نسخه که زکریا سعید علی در مقاله خود تصویر آنها را به چاپ رسانده، جای هیچ تردیدی را باقی نمی گذارد که نسخه ۹۲۷ مجموعه مرحوم مشکاة، نسخه ای دیگر از کتاب اثبات نبوة النبی هارونی است. برگ نخست رساله در نسخه تهران با افتادگی چند سطر، همان صفحه نخست متن چاپ شده است با تفاوت اندکی در کتابت برخی کلمات که نشان می دهد این نسخه از روی نسخه ای متفاوت از نسخه قاهره کتابت در ۵۵۱ استنساخ شده است و جز این تفاوتی میان دو نسخه وجود ندارد.

کتابی که در آغاز مقاله معرفی کردیم (الرسالة العسجدیه فی المعانی المؤیدیه) که در چندین جای آن عبارتی از یکی از ائمه که درود خدای بر آنان باد، در آن نقل شده، در حقیقت شرحی بر کتاب اثبات نبوة النبی هارونی است. ژوزف فان اس که فضل تقدم در شناخت هویت این منبع به او باز می گردد در مقاله ای که